

## بررسی تطبیقی ساحت‌های حکمت عملی و جایگاه خانواده در آن

منصور طبیعی<sup>۱</sup>

اعظم اکبری جیحونی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی ساحت‌های حکمت عملی با محوریت جایگاه خانواده پرداخته است که هدف از آن بررسی مؤلفه‌های حکمت عملی ذیل محور حکمت و عیارسنجی مؤلفه مرتبط با خانواده، یعنی تدبیر منزل در حکمت عملی است؛ محور مشخص سازی این عیار، زمان است، اینکه مؤلفه تدبیر منزل به عنوان گذشته مفهوم خانواده در سیر مراحل زمان، از گذشته تا کنون چه مراحل و تحولاتی را طی نموده است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است. نوآوری پژوهش حاضر در بررسی تطبیقی حکمت عملی با عنوان کردن اخلاق فردی، تدبیر منزل و سیاست مدن در کنار یکدیگر برای زندگی امروزی است. امروزه این ساحت و جایگاه در تداخل با امور فردی و اجتماعی معنا می‌باید و نمی‌توان خانواده را بدون در نظر گرفتن امور فردی و اجتماعی در نظر گرفت در حالی که گذشته این مؤلفه دارای مفهوم و کارکردی مستقل بوده و به منزله ساحت خانواده مرکز توجه قرار می‌گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** حکمت، حکمت عملی، جایگاه خانواده، خانواده، تدبیر منزل.

---

۱. استادیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی [mtabice@rose.shirazu.ac.ir](mailto:mtabice@rose.shirazu.ac.ir). (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد مطالعات زن و خانواده [rahil14@chmail.ir](mailto:rahil14@chmail.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

## مقدمه

خانواده به منزله کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و با عنوان باسابقه‌ترین نهاد که در طول قرن‌های متمادی پایدار مانده است، از دیرباز مورد توجه فلاسفه، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و متخصصان علوم رفتار و اجتماعی قرار داشته؛ به طوری که می‌توان گفت مفهوم خانواده بیشترین موضوع پژوهشی، در منابع علمی به شمار می‌آید.<sup>۱</sup> این مفهوم علاوه بر حیات اجتماعی خود، گذشته‌ای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی داشته که در تاریخ خود افتخارآفرین بوده است و به عنوان نشانی از عظمت گذشته مورد اشاره قرار می‌گیرد. بخش عمده‌ای از مفهوم امروزی خانواده، ذیل مفهوم تدبیر منزل در گذشته دسته‌بندی شده است؛ از این رو برای دستیابی به تفکر گذشته در خصوص جایگاه خانواده، می‌توان از دیدگاه اندیشمندان و متفکران قرن‌های میانی استفاده نمود. این دوران نقطه عطف علمی در تاریخ ایران و جهان اسلام است؛ سیاهپوش در خصوص این دوران بیان می‌کند که تمدن اسلامی، دست‌کم از قرن دوم تا هفتم قمری (هشتم تا سیزدهم میلادی) در همه زمینه‌های علمی عملاً رهبری دنیای آن روزگار را بر عهده داشت. او معتقد است دانشمندان مسلمان و همکاران اندیشمند غیرمسلمان آنان، در کنار هم نخستین جامعه حقیقی و واقعی علمی بین‌المللی را تأسیس کردند که پس از هزار سال سراسر مستملکات اسکندر در آسیا، شمال آفریقا و تمام اسپانیا را دربر می‌گرفت. (سیاهپوش، ۱۳۹۲). امروزه برای اندیشمندان آن دوران، مقبره‌های مورد تعظیم برافراشته شده و اندیشه آنان هنوز هم جزو مباحث تدریس اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها می‌باشد. از این رو، بنا به سابقه خانواده، ذیل مفهوم تدبیر منزل در گذشته و مورد توجه بودن این مؤلفه از گذشته تا کنون و نظر به دوران عطف علمی در قرون میانی

۱. از مجموع ۹۲۹۵ موضوع از متون منتشرشده مطالعات زنان سال ۷۴ تا ۹۷، ۳۱۲۴ (۳۳/۶۱٪) موضوع خانواده دارند که از این تعداد ۱۰۳۷ (۱۱/۵۷٪) مفهوم عینی و ۲۰۸۷ (۲۲/۴۵٪) مفهوم ضمنی است. در مجموع، مفاهیم عینی و ضمنی خانواده در کتاب‌ها ۷۸۷ (۴۹/۶۵٪) و در مقاله‌ها ۲۳۳۷ (۳۰/۳۱٪) است؛ از این رو مفهوم خانواده بیشترین موضوع پژوهش در منابع علمی است. (هاتفی مستقیم، باب الحوائجی، حسینی بهشتی، حریری، ۱۳۹۸: ۶۲)

که پیشتر شرح داده شد، لازم است مفهوم خانواده با عنوان تدبیر منزل در این دوران بررسی شود که خانواده در گذشته براساس چه مؤلفه‌ای تعریف شده است؟ و جایگاه آن در علوم گذشته چگونه بوده است؟

در بررسی جایگاه خانواده در گذشته با عنوان تدبیر منزل و ارتباط آن با حال این مؤلفه، نیاز به بررسی ساحت‌های حکمت عملی است این ساحت‌ها در علم رده‌بندی و تقسیم‌بندی علوم هویت یافته است، از این رو رده‌بندی و تقسیم علوم، ساختاری ایجاد می‌نماید که باعث شده تقدم و تأخر مؤلفه‌ها از جمله تدبیر منزل روشن گردد و از اتلاف وقت جلوگیری گردد. در بررسی این ساحت‌ها و براساس دیدگاه دانشمندان مسلمانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، فارابی و بالاخص حسین عبدالله ابن سینا، در جایگاه یکی از فلاسفه بزرگ اسلامی و سایر اندیشمندان مسلمان که حکمت را پدیده‌ای نوظهور و ایجاد شده نمی‌دانند، بلکه آن را جزو مکشوفات لحاظ می‌نمایند. این اندیشمندان متفق القول حکمت عملی را یکی از زیرشاخه‌های حکمت در نظر می‌گیرند و آن را دارای سه ساحت «سیاست عامه»، «سیاست خاصه» و «سیاست خاصه الخاصه» می‌دانند.

از آن جا که هدف این پژوهش بررسی تطبیقی جایگاه خانواده در حکمت و اهمیت آن در گذشته و امروز است، پرسش‌هایی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه خانواده در گذشته نشانگر چه چیزی بوده است؟ آیا امروزه خانواده یا همان تدبیر منزل تفاوت ساختاری و اهمیتی یافته است یا نه؟ طبق بررسی صورت پذیرفته در این پژوهش، تاکنون با موضوع منطبق بر موضوع پژوهش، کتاب یا تحقیق خاصی نوشته نشده است و کتاب‌ها و مقالاتی که درباره خانواده نوشته شده‌اند نیز به صورت مستقیم به مفهوم خانواده و ارتباط آن با ساحت‌های حکمت عملی نپرداخته‌اند. البته مقالات و کتب بسیاری به موضوع حکمت عملی پرداخته است و در کنار آن موضوع تدبیر منزل را به منزله گذشته مفهوم خانواده در نظر گرفته است، اما تحقیقی که این چنین واضح و مرتبط با موضوع به هر دو مهم پرداخته باشد، مشاهده نگردید. از این رو در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که متأسفانه این مقوله، به رغم اهمیت و تأثیری که در زندگی مردم دارد کمتر مجالی از بحث و بررسی را در متون و منابع به خود اختصاص داده

است که در ادامه به بخشی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع مذکور اشاره می‌شود.

حسن و آبادیان و بهرام‌نژاد و عادل‌فر (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «تحول نهاد خانواده و مفهوم تدبیر منزل در جامعه شهری دوره مشروطه»، با روشی توصیفی-تحلیلی و با استناد به برخی مطبوعات دوره مشروطه به بعد، تلاش می‌کنند عوامل تحول در تعریف مفهوم تدبیر منزل برگرفته از ساحت‌های عملی و همچنین شاکله خانواده را مورد بحث قرار دهد. پرسش اصلی مقاله این است که چه عوامل محیطی در ارائه تعریفی نوین از خانواده اثر داشته است؟ مفهوم تدبیر منزل زیرمجموعه ساحت حکمت عملی چه معنی جدیدی یافته است؟ در این مقاله بیان می‌گردد که بعد از دوران مشروطه با تعریف جدید از تدبیر منزل و محوریت دادن به نقش زن، زن وارد گستره اجتماعی شده و منشأ تحولات اجتماعی و فرهنگی گردیده است. با این حال نکته‌ای که در این پژوهش قابل ذکر است، اینکه پژوهش به معنای خانواده و چگونگی تدبیر منزل در گذشته، چندان توجه نداشته است و به شفاف‌سازی، تدبیر منزل نپرداخته است؛ از این رو به شرایط محیطی، فرهنگی و چگونه بودن اعضای خانواده‌ها، مسئولیت افراد خانواده در گذشته و حال چندان اشاره‌ای نشده است.

سؤالی که در این جا پیش می‌آید اینکه: آیا گستره فعالیت و تدبیر در منزل که طبق پژوهش در حال حاضر به بانوان سپرده شده است در گذشته نیز به همین میزان بوده یا متغیرها و گستره‌ای متفاوت داشته است. بوذری‌نژاد و اقبالی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «مناقشات نظری ابن‌سینا و گیدنز پیرامون الگوی خانواده» به مقایسه دیدگاه‌های ابن‌سینا، یکی از فیلسوفان بزرگ و تأثیرگذار که به صورت ویژه به مباحث مربوط به خانواده و تدبیر منزل پرداخته است و آنتونی گیدنز، یکی از جامعه‌شناسان معاصر که به صورت مشخص و مدون درباره الگوی مطلوب خانواده نظریه‌پردازی کرده است، با محوریت مقایسه دیدگاه‌های این دو متفکر، درباره الگوی مطلوب خانواده و ایضاً نقاط اختلاف این دو، در دو ساحت مبانی و مؤلفه‌های الگوی خانواده پرداخته است. در نتیجه تحقیق

ضمن تشریح موارد اختلاف نظر این دو دانشمند به این نکته اشاره می‌شود که تقدس دیدگاه ابن سینا به خانواده و نگاه عرفی گیدنز به خانواده، مانع از یکی شدن و نزدیک شدن نظر این دو دانشمند به یکدیگر شده است و البته گزینه بهتر برای زندگی اجتماعی خانواده‌های ایرانی، الگوی معرفی شده توسط ابن سینا است.

فیروزمهر و میرعرب (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «الگوهای اخلاقی بازگشت به خانواده در جهان با تأکید بر نظریه شهید مطهری» به اندیشه و دیدگاه مطهری در خصوص خانواده می‌پردازند. فیروزمهر و میرعرب ضمن اشاره به این نکته که منطق خانوادگی از منطق جامعه جدا است بیان می‌دارند: نظر اندیشمندان متقدم، از افلاطون و ارسطو تا ابوعلی سینا و دیگران چنین بوده که نباید منطق زندگی خانوادگی با منطق جامعه یکی فرض شود. در این پژوهش به این موضوع پرداخته می‌شود که به نظر مطهری نظام خانوادگی یکی از شعبه‌های حکمت عملی است و از زمان آفریده شدن انسان زندگی خانوادگی وجود داشته است. مطهری در این پژوهش چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که تنها راه سعادت بشر بازگشت به اصل خانواده است و چنین بازگشتی با الگوی فطرت، یعنی میل فطری زن و مرد به تشکیل خانواده، مهرورزی به یکدیگر، گرایش فطری به همزیستی عاطفی با عزیزان و ... دیر یا زود محقق می‌شود.

کرمانی و سلگی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل حیات خانوادگی (منزلی) انسان در حکمت عملی با تأکید بر آرای ابن سینا» بیان می‌دارد که ابن سینا برای خانواده جایگاه ممتازی قائل است و معتقد است که اصول منحصر به فردی در خانواده حاکم است و از این رو حیات را در سه ساحت فردی، خانوادگی و اجتماعی معرفی می‌نماید و اصول خانواده را از اصول فردی و اجتماعی جدا می‌بیند، اما در قرون اخیر سه ساحت به دو ساحت فردی و اجتماعی تبدیل شده و تا جایی که امکانش وجود داشته است وظایف و نقش‌های خانوادگی را به اجتماع سپرده‌اند. این در حالی است که استقلال حیات منزلی از حیات فردی و اجتماعی مورد تأیید و حمایت اسلام است.

نادری (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «جایگاه حکمت در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین

طوسی» به اهمیت محتوای کتاب اخلاق ناصری طوسی می‌پردازد و اذعان می‌دارد که به‌مثابه رساله عملی با توجه به سازگاری آن با مبانی ایرانی- اسلامی همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است و می‌تواند با بازنگری جدی آن، رهیافت‌های مهمی را در خدمت اهل فن قرار دهد. حسینی (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «امکان شکل‌گیری دانش اقتصاد نظری در تمدن اسلامی» عنوان می‌نماید که هدف نهایی دانش تدبیر منزل، رساندن همه افراد منزل به کمال و سعادت است. وی معتقد است مهم‌ترین حیطة‌ای که دانشمندان مسلمان در آن سخن از مباحث اقتصادی رانده‌اند، تدبیر منزل بوده است که در طی گذر زمان توجه به مباحث اخلاقی و آخرت‌محوری مانع از پرداخت به این بُعد از تدبیر منزل دست‌کم برای ساماندهی دنیا‌گردیده است و بیان می‌دارد که آنچه عملاً در تمدن اسلامی به وقوع پیوست، به‌ویژه در بخش‌هایی که اشاعره سیطره داشتند، ابتدای بسیار بیشتر حکومت و مردم بر سیاست شرعی (فقه حکومتی و احکام فردی) در مقایسه با سیاست عقلی (تدبیر منزل و سیاست مدن) بوده است.

احسانی (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان «خانواده» به پیچیدگی و گوناگون بودن مفهوم خانواده در عین احساس روشن و همه‌فهم بودن آن اشاره می‌کند و می‌گوید که این گوناگونی تعاریف سبب گردیده است تا صاحب‌نظران بر اساس تخصص و نیازشان تعاریف مختلفی از خانواده را ارائه نمایند. شاید در این جا بتوان به این موضوع اشاره کرد که خانواده به دلیل گستردگی محتوایی و اندیشه‌های محفوظ در خود، آن قدر غنی از مفاهیم و مبانی است که هر علم و اندیشه‌ای بنا به نیاز خود می‌تواند از آن بهره‌برداری نماید و اندیشه خود را در تطبیق با این حوزه به نمایش بگذارد. وی معتقد است که تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان هم خانواده را یکی از کهن‌ترین پدیده‌های جهان در نظر می‌گیرند و هم اینکه انسان را مدنی الطبع می‌دانند که بیرون از خانواده و اجتماع نمی‌توان او را در نظر گرفت؛ ازاین‌رو اینکه جامعه را متأثر از خانواده و همچنین خانواده را متأثر از جامعه بدانیم امری درست به حساب می‌آید و در این خصوص نه تنها جامعه‌شناسان مختلف تعاریفی مختلف از خانواده دارند، بلکه علوم مختلف چون حقوق، روان‌شناسی، اقتصاد و ... نیز به تعاریفی در خصوص خانواده

پرداخته‌اند. در نهایت با وجود خلأ موجود در زمینه بررسی وجوه تطبیق ساحت‌های حکمت عملی و جایگاه خانواده در آن، لزوم انجام پژوهش حاضر ضرورت دارد.

## روش

در این پژوهش با توجه به رویکرد مروری در تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی هدف اصلی تحقیق پرداخته شده است که ضمن مراجعه به منابع کتابخانه و مراکز اسناد با بررسی صورت‌گرفته، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری گردید. در واقع محتوای موضوع از طریق گردآوری داده به صورت کتابخانه‌ای، مطالعه و بررسی و کشف از کتاب، مجلات، مقالات، پایان‌نامه‌ها و استفاده از سایت‌های اینترنتی بوده که پس از مطالعه، فیش‌برداری شده و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت پذیرفته است. نظر به اینکه این روش بیشتر وابسته و معطوف به شرایط مکانی و زمانی است و همچنین، این روش قادر است از دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف، ساختارهای اصلی و فرعی یک یا چند پدیده را مشخص نماید، لازم دیده شد پس از مطالعه و بررسی، محتوای نهایی مجدد مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و به نگارش درآید.

## مفهوم‌شناسی حکمت

در مفهوم‌شناسی حکمت با توجه به گستردگی آن و تعاریف متعددی که برای این مؤلفه در نظر گرفته شده است نمی‌توان تعریف ثابتی را معرفی نمود، اما به طور کلی از نظر اندیشمندان مسلمان حکمت به عنوان جریان جاودانه‌ای تلقی می‌شود که با انبیاء الهی (ع) شروع شده و به دست خردمندان بزرگ و حکیم رشد و بالندگی یافته است (دیباجی، ۱۳۸۷: ۱۱۵) و در تعریفی دیگر برگرفته از مقاله «مقایسه حکمت در کتاب حکمت با ده در دئوده جینگ» بیان می‌گردد که حکمت تشخیص دارد و موجودی الهی است. او تجلی خداوند متعال است. حکمت خود را برای مردم آشکار می‌کند و انسان را به خود دعوت می‌کند. (نظرپور، ۱۳۹۹) ابن سینا معتقد است حکمت را در چهار عنوان، علم به اولین امور در وجود، برترین علم، شناخت علل اولیه و علم الهی می‌توان تعریف کرد. (ابن سینا، ۱۳۹۵: ۱۵)

## تقسیم‌بندی حکمت و اقسام حکمت عملی

حکمت عملی یا به‌طور عام اخلاق و ملکات انسانی از زیرشاخه‌های حکمت به‌شمار می‌رود و یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در بیشتر آثار اخلاقی، حکمی و ادبی گذشته ما بدان پرداخته شده، برای رسیدن به سعادت چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی، به ناچار وجود آیین‌ها و اصول اخلاقی لازم است که از آن به حکمت عملی تعبیر می‌کنند. بنا به تقسیم‌بندی مطرح‌شده در مدخل (ایساغوجی) رساله المنطق، «حکمت» بر دو قسم دانسته شده است، علم که «هو تبصر القلب و تفکیره» و عمل که «هو حرکه القلب و قوته». آنگاه به پیروی از سنت ارسطویی، اما متناظر به تفسیرهای نوافلاطونی و اسکندرانی، هر یک از دو قسم به سه بخش تقسیم شده است. «علم» مشتمل است بر «علم اعلی»، «علم اوسط» و «علم اسفل». علم اعلی همان «علم الغیب» است که «هو المعرفه بالغیب عن الابصار و تبصره العقول» و علم اوسط نیز همان «علم الادب» باشد که «هو علم الحساب و الهندسه و النجوم و تالیف اللحن» و علم اسفل هم یعنی «علم الاجساد» که «هو علم منافع الدنیا من الطب و الصناعات و التجارات، و کل ما یقع علی جسد قائم معلوم». پس از «علم» نوبت می‌رسد به «عمل» که افزون بر «حرکت القلب و قوته» از آن به «سیاست و تدبیر» نیز تعبیر شده است و «سیاست عامه»، «سیاست خاصه» و «سیاست خاصه الخاصه» را در بر می‌گیرد- منظور از «سیاست عامه» چگونگی اداره امور شهرها و کشورها است؛ یعنی همان چیزی که در آموزه‌های سیاسی حکمای ایرانی اسلامی به «سیاست مدن» تعبیر شده است؛ «سیاست خاصه» نیز به چگونگی اداره امور خانواده اطلاق شده و در اصطلاح برابر است با «فن تدبیر منزل» در آموزه‌های حکمای ایرانی اسلامی؛ و سرانجام، «سیاست خاصه الخاصه» به چگونگی تسلط فرد بر اخلاق و رفتارش مربوط می‌شود و همان «علم اخلاق فردی» است. (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۶: ۱۱۵)

## خانواده

تصور عامه بر این است که «خانواده» در طول تاریخ و از گذشته تا کنون به یک شکل باقی مانده است و از پیش از اسلام تا روزگار معاصر تداوم داشته و گرچه محتواهای متفاوتی



پذیرفته، همواره حضور تاریخی خود را حفظ کرده است و مفاهیم آن در عین پراکندگی با یکدیگر ارتباط سیستماتیک و منطقی داشتند؛ اما قبل از پرداخت به تعریف خانواده نیاز است خاستگاه خانواده مورد بررسی قرارگیرد که طبق جدول ذیل و بنا به نظرات اندیشمندان حوزه اجتماعی و خانواده به این مهم می‌رسیم که دوره تاریخی قابل دسترسی وجود ندارد که بنا به آن بتوان به نبود خانواده در گذشته استناد نمود.

خاستگاه خانواده	
دیدگاه در خصوص خاستگاه خانواده	اندیشمندان
تأکید بر خاستگاه اجتماعی و فرهنگی خانواده و اعتقاد به مداخله مسائل فرهنگی که باعث گردیده خانواده تشکیل گردد. در واقع این اندیشمندان معتقد به دوره اختلاط جنسیتی و هرج و مرج جنسی هستند که قاعده منع زنا با محارم باعث تشکیل خانواده گردید.	مورگان، دورکیم، لوی استراوس
تأکید بر خاستگاه طبیعی و غریزی خانواده	سترمارک، مرداک
پیدایش خانواده از ابتدای خلفت انسان با تأکید بر کارآمدی تقسیم کار جنسیتی از اولین دوره‌های وجود بشر	گاف
اسلام قائل به وجود یک گرایش فطری برای تشکیل خانواده است نه یک نیاز جنسی صرف	اندیشمندان مسلمان
قرائن تاریخ، دوره‌ای فاقد زندگی خانوادگی یا وجود روابط جنسی آزاد و اختلاط جنسی را نشان نمی‌دهد، قبول دوره هرج و مرج جنسی و تشکیل خانواده با شروع قاعده منع زنا با محارم به دنبال قراردادن خانواده در سیر تطور است که کاملاً حدسی و قوم‌مدارانه به نظر می‌رسد.	نتیجه‌گیری

اما نکته جالب توجه اینکه با استناد به موارد تاریخی در دسترس، نمی‌توان به ثبات تاریخی و یک‌شکل بودن ساختار و نقش‌های خانواده در طول تاریخ اشاره نمود؛ چراکه فراز و نشیبی تحول‌آفرین برای خانواده و مؤلفه‌های آن در طول تاریخ به اثبات رسیده است، تنوع تعاریف و شکل‌های مختلف متصور برای خانواده در معاصر، مواردی هستند که در تمامی قرن‌های میانی یا پدید نیامده بودند یا به دلیل محدود بودن نمونه‌های آن‌ها دید عمومی در خصوص آن‌ها وجود نداشت. به‌طور مثال یکی از تعاریف خانواده ذیل مفهوم خانواده هسته‌ای تعریف می‌شود که در گذشته به دلیل عمومیت داشتن خانواده‌های گسترده این نوع خانواده چندان مورد توجه نبود؛ تفاوت این دو در موارد زیادی از جمله تعداد اعضا و نقش‌های اعضای این نهاد اجتماعی است. در این خصوص اعزازی در جامعه‌شناسی خانواده بیان می‌دارد که «خانواده» برگردان واژه لاتین Family از ریشه Familia به معنای «برده» و «مستخدم» گرفته شده است. این تحول لغوی تحول مفهومی را نیز می‌رساند؛ بدین معنا که در گذشته، نظام خانواده گسترده بوده و شامل غیر اعضای خانواده نظیر خدمتکار هم می‌شده و امروزه به نظام هسته‌ای تبدیل شده است. خانواده هسته‌ای مبتنی بر رابطه نسبی یا سببی میان اعضای خانواده است. (اعزازی، ۱۳۷۹: ۱۰) آنچه امروز خانواده شناخته می‌شود با مبانی، مفاهیم و تعاریف مختلف، حاصل نوعی پراکنده‌سازی یا توزیع عناصر سازنده آن نسبت به گذشته این مفهوم است که در یک حوزه اساسی و با موقعیت اجتماعی متمرکز و با هدف ارتقا همه‌جانبه خانواده و اعضای آن تولید شده بود. البته موقعیت اجتماعی مؤلفه‌های خانواده امروز نیز با گذشته آن مرتبط است، اما تصور همزمان مادر بودن، همسر و دختر بودن در کنار رئیس اداره یا مرکز و ... بودن چیزی است که در گذشته، تصور آن سخت بوده و پدیده‌ای نوظهور است که در این اواخر به آن پرداخته شده است، هرچند که ما در اعصار گذشته داشتیم زنانی که در موقعیت‌های خاص حضور داشتند و تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز بوده‌اند، اما آنچه اصل ماجراست این است که عمومیت نداشته و همه‌فهم نبوده و این مهم ناشی از تعاریف مسئولیتی و فعالیتی مؤلفه‌های خانواده در گذشته و حال است. بنابراین، تفاوت خانواده در مفهوم و مؤلفه‌های گذشته و حال، حاصل نوعی پراکنده‌سازی مسئولیتی و فعالیتی است

که تاریخی مجزا و منفصل داشته است؛ در یک سو پراکنده‌سازی موارد متمرکز به خانواده از جمله تربیت و آموزش فرزند یا اقتصاد خانواده و در سوی دیگر ارائه تعاریف متعدد و حتی در تقابل با یکدیگر از خانواده حتی برخی دانشمندان را راضی به ارائه دلایلی مبنی بر انحلال و از بین روی خانواده نموده است؛ اما نکته اینکه آیا می‌توان تحول را هرچند گسترده باشد، شروعی برای تحلیل افول خانواده در نظر گرفت یا می‌توان آن را نوعی تقسیم‌بندی فعلیتی اجتماعی در نظر گرفت که با گذر زمان و با تجربه‌های تاریخی بتواند دوباره هویت قبلی خانواده را در قالب مؤثرترین نهاد به آن بازگرداند.

### خانواده در حکمت عملی

در دسته‌بندی‌های کهن، خانواده با عنوان تدبیر منزل جایگاهی متفاوت از امروز داشت، به شکلی که در اندیشه متفکران مسلمان از جمله فارابی، طوسی و ابن‌سینا، تدبیر منزل ذیل حکمت عملی با جایگاهی مستقل و در کنار ساحت فردی و اجتماعی ذیل ساحت خانوادگی تعریف می‌گردید. این در حالی است که امروزه سعی بر یکی نمودن منطق زندگی خانوادگی و جامعه است، در این راستا مطهری از اندیشمندان عصر حاضر یکی از شعبه‌های حکمت عملی را شعبه نظام خانوادگی دانسته است و می‌توان گفت اندیشه مطهری در راستای اندیشه اندیشمندان قرون میانی در جهت هویت بخشی به مباحث مرتبط با خانواده و تدبیر منزل است و همچنین تدبیر منزل و خانواده در گذشته هویت مستقل و مرتبط با مبانی فردی و اجتماعی داشته است که تحولات مسیر تاریخ تا کنون از این استقلال و هویت کاسته است و باعث گردیده موقعیت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های رایج در قرون میانی را تغییر دهد و به تعریف الگویی دیگر پردازد که باعث ظهور و بروز گفتمان‌های جدیدی در مفاهیم و مؤلفه‌های خانواده گردیده است. بنا به جداول ذیل می‌توان به دلایل اوج گرفتن و بعد از آن افول مؤلفه تدبیر منزل اشاره نمود.

دوره‌های اوج پرداخت به مباحث تدبیر منزل	
شاخص‌های این دوره در ارتباط با خانواده و مؤلفه‌های آن	دوره
محور قرار گرفتن خانواده در موضوعات گوناگون از جمله اقتصاد، تربیت، آموزش و ...	قرون میانی اختصاص یافتن یکی از شاخه‌های حکمت عملی به تدبیر منزل و تولید رساله‌های مکتوب در این خصوص.
	در حکمت عملی بین هویت خانوادگی و هویت فردی و اجتماعی تمایز وجود داشته است.
خانواده و مؤلفه‌های آن در تعدد پژوهش‌های مطالعات زنان و خانواده رتبه اول را دارد.	پس از انقلاب صنعتی مسائل خانوادگی هویت مستقل ندارد یا ذیل مباحث فردی یا ذیل مباحث اجتماعی است.
	کارکردهای خانواده بین نهادها توزیع گردیده است.
تغییرات صورت پذیرفته در این دوره باعث گردیده که نقش گروه‌های صنفی در انجام کارکردهای مربوط به خانواده نمایان‌تر شده و توزیع کارکردهای خانواده در سایر نهادها صورت پذیرد، سیطره خانواده در اعمال نظارت بر حیات اقتصادی کم‌رنگ شده است، التزام به خانواده و اعضای آن کم شده است.	نتیجه‌گیری

<b>دوره‌های افول پرداخت به مباحث تدبیر منزل</b>	
<b>دوره</b>	<b>شاخص‌های این دوره در ارتباط با خانواده و مؤلفه‌های آن</b>
	<p>بایدها و نبایدهای عقل عملی بر مبنای وحی برپا شد و ابتدا به اقتصاد نظری که به دنبال غایتی دنیایی بود، محدود گردید.</p>
	<p>ابتنای بیشتر حکومت و مردم بر سیاست شرعی (فقه حکومتی و احکام فردی) در مقایسه با سیاست عملی (تدبیر منزل و سیاست مدن).</p>
از فارابی تا ابن‌سینا	<p>هرچند اوج‌گیری پرداخت به تدبیر منزل در محتوا و فراگیری در ساختار علوم در قرون میانی بوده است، اما در همین اعصار توجه به موضوعاتی دیگر چون فقه باعث مسکوت ماندن اجرایی این محتوا گردیده است.</p>
	<p>به نظر می‌رسد در یک مقطع زمانی ارزش‌گذاری بر روی مسائل فقه که در آن مباحث تدبیر منزل و اقتصاد مرتبط با آن در فرع قرار داشته، مانع از پرداخت به مباحث فلسفی که محور اصلی آن تدبیر منزل و اقتصاد بود، شده است.</p>
پس از ابن‌سینا (قرن ۴) و به طور کم‌رنگ‌تر پس از ملاصدرا (قرن ۱۰)	<p>پس از ابن‌سینا، در عالم اسلام تا مدت‌ها بحث مستقلاً درباره تدبیر منزل مطرح نشد، اما با این حال، برخی از این مباحث به صورتی مبدل در خلال مباحث دیگر یافت می‌شد به شکلی که تا دوران خواجه نصیرالدین طوسی در قرن ۷ هجری و حتی نزدیک به دوران ملاصدرا در قرن ۱۰ هجری نیز توجه به مؤلفه تدبیر منزل وجود داشته و محتوای مرتبط تولید شده که پس از این زمان تا نیمه قرن نوزدهم کار مستقل و مطرحی در خصوص تدبیر منزل انجام نگرفته است و به یک‌باره از اواسط قرن نوزدهم همراه با انقلاب صنعتی تحولات خانواده مطرح گردید به طوری که تفاوت مشهودی با گذشته خود داشت.</p>

<p>به نظر می‌رسد دلیل رسیدن به دوران افول در بحث تدبیر منزل در همان دوران پرداخت به این مهم مستتر است؛ به شکلی که اندیشمندان به این مبانی در مطالب و رساله‌های خود پرداخته‌اند و مباحث را مطرح نموده و آموزش داده‌اند، اما چون در اقبال عمومی و حکومتی قرار نگرفته است به حاشیه رانده شده است.</p>	<p>نتیجه‌گیری</p>
--	-------------------

به نظر می‌رسد قدمت واژه خانواده و مفاهیم و مؤلفه‌های جدید آن به اواسط قرن نوزدهم و حدود یک قرن پیش می‌رسد که قبل از آن از تدبیر منزل و واژه‌های مرتبط و پراکنده استفاده می‌شده است که البته به دلیل گرایش عمومی به فقه و کاهش تمایل به فلسفه، کم و بیش در قالب سایر مبانی توضیحی مختصر و با عناوین تربیتی به این مهم می‌چرداختند. فارابی نخستین حکیم مسلمانی است که به بحث تدبیر منزل اشاره و به پیروی از ارسطو مباحث منزل را مقدمه مباحث سیاست مطرح کرده است، (کرمانی، صالحی، ۱۳۹۶: ۱۰۹) مهم‌ترین اثری که در آن خواجه نصیر از تدبیر منزل و جایگاه اخلاق سخن گفته است، اخلاق ناصری است. مطالب این کتاب مبتنی بر تلفیق دیدگاه فلسفی و علمی یونانی و دیدگاه اسلامی درباره انسان، خانواده و جامعه است. (بخشی، صادقی حسن‌آبادی، امامی جمعه، ۱۳۹۷: ۱۷) او در تقسیم علوم به منزل و تدبیر منزل که می‌رسد در حد معرفی مدبر منزل و ارائه نگاه و نظراتی عملی در خصوص خانواده و رفتار و نقش‌های خانوادگی به مطلب می‌پردازد و به نحو خاص وارد بحث خانواده نمی‌شود و این امر را به شریعت و فقه می‌سپارد؛ فارابی از تدبیر منزل ذکری ندارد و آن را منحصر به علم مدنی می‌داند و اگر از علم فقه بحث می‌کند از آن جهت است که این علم تحت فلسفه و تابع آن است و ضمن آن علم فقه نیز جزء علم مدنی و تحت فلسفه مدنی است. غایت‌نگری، سعادت‌محوری و اصل فطرت از جمله مبانی معرفتی فارابی در فلسفه است که بر نگاه او به حکمت منزلی نیز مسیر داده است تا آنجا که بین سه بعد حکمت عملی ترتب منطقی قائل شده است و از مجرای تهذیب نفس به ضرورت تدبیر منزل و از آن به ضرورت تدبیر مدن می‌رسد.

نخستین رساله مستقلی که در عالم اسلام به موضوع تدبیر منزل اختصاص دارد، رساله‌السیاسه ابن سیناست که در آن از تعبیر (سیاست منزل) به جای (تدبیر منزل) استفاده کرده است (مستعلی پارسا، قدیری یگانه، ۱۳۸۸: ۱۰۸). ابن سینا نیز یکی از فلاسفه اسلامی مهم و تأثیرگذار است که به صورت مبسوط به مباحث مربوط به مناسبات خانواده و تدبیر منزل پرداخته است. وی در خصوص تدبیر منزل دارای رساله مستقلی است و سیاست نفس را بر سیاست منزل مقدم می‌داند و تدبیر منزل در نظر ابن سینا مودی به توانایی و تمکنی برای کسب سعادت است. در دیدگاه ابن سینا چهار عنصر حکمت منزلی، هماهنگی با فطرت، فلسفه در زندگی، تناظر عشق و عقل و حاکمیت اخلاق وجود دارد و اصول رفتار با همسر را هیبت، تکریم و اشتغال می‌داند. ابن سینا انگیزه اولیه و ابتدایی ازدواج و تشکیل خانواده را اقتصادی صرف می‌داند و سایر انگیزه‌های عاطفی و اجتماعی را نتیجه تبعی ازدواج با انگیزه اقتصادی تلقی می‌کنند. عشق و ازدواج جز در سایه الفت تحقق نمی‌یابد و الفت نیز به غیر از عادت حاصل نمی‌شود و عادت از هم‌نشینی طولانی مدت حاصل می‌شود. پس از ابن سینا تا مدت‌ها بحث مستقلی درباره تدبیر منزل مطرح نشد، با این حال، برخی از این مباحث را به صورتی مبدل در خلال مباحث دیگر می‌توان یافت.

پس از ابن سینا یکی از اندیشمندان مطرح، صاحب نظر در خصوص تدبیر منزل و خانواده، طوسی است. وی زیربنای تمام کنش‌های انسان را محبت می‌داند و از جمله تألیفات خواجه نصیرالدین طوسی در قرن هفتم اخلاق ناصری است که در زمینه حکمت عملی نگاشته شده است و در مقاله دوم آن به تدبیر منزل و بیان جامع مباحث پرداخته شده، منشأ پیدایش منزل از دیدگاه طوسی، نیاز بشر به وجود مکان و فضایی است که در آن مایحتاج غذایی خود را نگهداری می‌کند. در نگاه طوسی مدبر منزل چون طبیب حاذقی است که به خصوصیات هر یک از ارکان منزل واقف است و به دنبال رساندن اعضا به کمال شایسته است و وی در بحث اقتصادی زن را شریک مرد در مال و قسیم او در تدبیر منزل و نائب او در زمان غیبتش معرفی می‌کند. پس از ابن سینا، در عالم اسلام تا مدت‌ها بحث مستقلی درباره تدبیر منزل مطرح نشد، با این حال، برخی از این مباحث را به صورتی مبدل در خلال مباحث دیگر می‌توان

یافت. با ظهور نوگرایی تفاوت‌های مشهودی در مفاهیم، مبانی و کلمات را شاهد هستیم، دگرگونی در نقش‌ها و مسئولیت‌ها و جابه‌جایی محورها و کانون منزل و خانواده که ناشی از تحولات در طول زمان است به شکلی که در حال حاضر نمی‌توان یک تعریف تثبیت‌شده و همه‌گیر، طبق آنچه در گذشته تصور می‌شده است از خانواده در اذهان ایجاد نمود.

## خانواده در نگاه امروزی

شاید به نظر برسد که مفهوم خانواده از مفاهیم بسیار روشن و همه‌فهم است، به گونه‌ای که عامه مردم، اعم از کوچک و بزرگ و باسواد و بی‌سواد، همه آن را می‌فهمند و نیاز به تعریف آن نیست، ولی آنقدرها هم ساده نیست. وقتی به منابع واژه‌شناسی مراجعه کنیم، می‌بینیم تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده و صاحب‌نظران بر اساس تخصص و نیازشان، هر کدام تعریفی از خانواده ارائه داده‌اند؛<sup>۱</sup> (احسانی؛ ۱۳۸۳: ۸۶) اما آنچه در این جا مطرح است، نبود ثبات تعریف مشخص و وجود فاصله زیاد بین تعاریف مطرح شده است. عبد آل آتی<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «ساختار خانواده در اسلام»<sup>۳</sup> به تعریف و مبانی خانواده می‌پردازد و بیان می‌کند که اصطلاح خانواده یک واژه پرحاشیه‌ای است و افراد مختلف تعاریفی متمایز از آن ارائه می‌دهند که نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های زیادی در عین تشابه عملکردی این اصطلاح است. نویسنده با اشاره به تلاش‌های بسیاری برای شفاف‌سازی اصطلاح از طریق طبقه‌بندی و گونه‌شناسی اعلام می‌دارد که بعضاً اینگونه پژوهش‌ها باعث ایجاد ابهام بیشتر شده است، از این رو به دنبال پیدا کردن مشکل اصلی می‌رود و بیان می‌دارد که به نظر می‌رسد بخشی از مشکل، همپوشانی

۱. عدم وجود تعریفی مشخص و تعدد تعاریف در خصوص خانواده نشان‌دهنده کم‌اهمیتی یا عدم پرداخت به خانواده نیست و حتی مفهوم خانواده دارای بیشترین موضوع پژوهش در منابع علمی است. (از مجموع ۹۲۹۵ موضوع از متون منتشرشده مطالعات زنان سال ۷۴ تا ۹۷، ۳۱۲۴ (۳۳/۶۱٪) موضوع خانواده دارند که از این تعداد ۱۰۳۷ (۱۱/۵۷٪) مفهوم عینی و ۲۰۸۷ (۲۲/۴۵٪) مفهوم ضمنی است. در مجموع، مفاهیم عینی و ضمنی خانواده در کتاب‌ها ۷۸۷ (۴۹/۶۵٪) و در مقاله‌ها ۲۳۳۷ (۳۰/۳۱٪) است؛ از این رو مفهوم خانواده بیشترین موضوع پژوهش در منابع علمی است. (هاتفی مستقیم، باب الحوائجی، حسینی بهشتی، حریری، ۱۳۹۸: ۶۲)

2. Abd Al-Ati

3. The family structure in Islam



اجتناب‌ناپذیر مرزهای خویشاوندی و خانوادگی و همچنین دشواری ذاتی تعیین خط مرزی پذیرفته‌شده جهانی است. وی برای جلوگیری از این سردرگمی تعریفی عملیاتی از خانواده را پیشنهاد می‌دهد که زمینه اسلامی دارد. عبد آل آتی استفاده از اصطلاح خانواده را برای تعیین نوع خاصی از ساختارها می‌داند که اصول آن از طریق پیوندهای خونی یا روابط زناشویی با یکدیگر مرتبط است و ارتباط آن‌ها دارای ماهیتی است که انتظارات متقابل را در بر می‌گیرد و این نسخه توسط دین تجویز شده، توسط قانون تقویت شده و توسط افراد درونی می‌شود که این انتظارات متقابل ناشی از عضویت در چنین ساختاری است. نکته‌ای که در این پژوهش به آن اشاره شده و درخور توجه است هم‌افزایی در نظر گرفته شده فی مابین دین به‌منزله یک نهاد مذهبی، قانون به‌منزله یک سیاست‌گذاری و افراد در جایگاه اعضای تشکیل‌دهنده خانواده است که می‌تواند تعریفی جدید برای خانواده رقم بزند.

مطهری از جمله اندیشمندان معاصر است که محتواها و دیدگاه‌های او در موضوع خانواده ذیل برخی مباحث دیگر به‌ویژه مباحث مرتبط با حقوق مطرح شده است. وی اصل قدرت حاکم بر خانواده را عواطف طبیعی می‌داند و معتقد است علقه خانوادگی، علقه خاصی است بر اساس عواطف، وحدت، یگانگی و صمیمیت؛ برخلاف علقه اجتماعی که اساس آن بیگانگی و عدالت است. مطهری معتقد است که زن در ساختن شخصیت مرد بیشتر مؤثر است تا مرد در ساختن شخصیت زن، و بدین جهت است که تأثیر غیرمستقیم زن در ساختن تاریخ، انکارناپذیر است.

بر حسب کتاب جامعه‌شناسی خانواده از دیدگاه اسلام حسین بستان، نظریه پیوند فطری خاستگاه طبیعی زندگی خانوادگی، پذیرش مجموعه گسترده‌ای از تفاوت‌های جسمی و روحی میان زن و مرد، انکار جبری بودن زندگی خانوادگی و نیز انکار جبری بودن تغییرات نهاد خانواده در دوران معاصر مفروض گرفته شده است. بنا بر نظریه پیوند فطری، ریشه اصلی بی‌ثباتی خانواده در دوران معاصر را باید در انحراف از اقتضائات فطرت انسانی در سه سطح عوامل اولیه (ویژگی‌های فردی)، عوامل ثانویه (کنش‌های زن و شوهر) و برخی عوامل پشتیبان (آگاهی بخشی و حقوق) جست‌وجو کرد.

خانواده در نگاه و اندیشه امروزیین خود جدای از اینکه در مسیری بی ثبات از لحاظ تعاریف و اشکال قرار گرفته است، از جایگاه اصلی خود که محل آموزش، پرورش و تربیت بوده است نیز بسیار دوره شده است و این دغدغه‌ها و کارکردها بیش از آنکه به خانواده سپرده شود به مراکز اجتماعی سپرده شده است و افرادی که در این موارد، با این مراکز مرتبط نیستند؛ چه بسا که از کل این کارکردها دور شده‌اند و چندان توجهی به مباحث تربیتی و آموزشی نشان نمی‌دهند که این خود معضلی اجتماعی و فردی در نظر گرفته می‌شود که ناشی از کاهش کارکردهای خانواده است. در واقع تا اواسط قرن نوزدهم، تصور عمومی از خانواده، خانواده گسترده (پدرسالار) بود، (رئیسی، ۱۳۹۱: ۳۲) اما از آن پس و با تحولات رخ داده در جوامع گوناگون، ضمن پرداخت ویژه به مباحث خانواده اشکال مختلفی از خانواده مطرح و محتواسازی گردید که تاکنون نیز تداوم داشته است.

دو محور گفتمانی مؤثر بر مفهوم خانواده و رساندن آن به خانواده امروزی یکی در قرون میانی است که به دلیل همراه دیدن تدبیر منزل با مباحث مادی گرایش به آن در گفتمان آن روز کمتر دیده شد و کم‌کم این مباحث به حاشیه رانده شد و گرایش به اخلاق و فقه تدبیر منزل را از اصول اصلی خود دور نمود و دیگر گفتمان مطرح شده ظهور انقلاب صنعتی بود که به دلیل تغییرات اساسی همه‌جانبه خود سبب ایجاد تعریفی جدید از خانواده گردید. این سیر حرکت و شاکله حکومتی با ظهور انقلاب صنعتی که همه‌گیر گردید و دچار تغییرات شگرفی شد، دیگر نیاز نبود تمام امورات در یک قالب خانوادگی یا منزلی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و حتی نیاز نبود در یک منزل شکل گسترده از اعضای آن حضور داشته باشند، در این مرحله از دوران معاصر قدرت با خانواده‌های کوچک‌تر و کم‌تعداد بود تا بتوانند خود را به مراحل پیشرفت برسانند و قدرت خانواده در امورات آموزشی، تربیتی، اقتصادی و ... در دست حکومت و نهادها قرار می‌گرفت و البته خانواده نیز به مثابه یک نهاد کوچک و بعضاً ناقص مطرح گردید. در واقع خانواده و مفهوم و شاکله آن در معنای امروزیین خود، ریشه در دو مناسبت، بی‌توجهی به مبانی همه‌جانبه خانواده در قرون میانی و تحلیل رفتن این مفهوم در نهادها و سازمان‌های غیر خانواده با حرکت انقلاب صنعتی دارد. مناسباتی که از سویی ریشه

در نگاه مذهبی و معنوی یک جانبه به مفهوم و کارکرد خانواده در جامعه مردسالار و مملو از کشورگشایی‌ها و جنگ و مبارزات گذشته داشته و از سوی دیگر به تغییرات عمیق مفهوم، ساختار و کارکرد خانواده بعد از انقلاب صنعتی دارد. به طور کلی می‌توان گفت اگر رخدادهای گذشته و گفتمان‌های ایجاد شده در این دوران وجود نداشتند، مفهوم خانواده بدون تغییر می‌ماند و در معنای امروزی خود ظاهر نمی‌شد. جدول ذیل تفاوت نگرش به خانواده بر اساس مؤلفه‌های آن در گذشته و حال را مورد بررسی قرار می‌دهد. بنا به مقایسه صورت پذیرفته، نگاه اسلام از گذشته تا کنون جدای از نظر اندیشمندان به ارزش‌گذاری خانواده و مؤلفه‌های آن بوده است، اما نکته اینجاست که در گذشته قالب خانواده به صورتی بوده است که انتظارات از خانواده در همان قالب خانواده قابل اجرا و مطالبه بوده است، چون جایگاه خاص و مستقل داشته است؛ اما امروزه خانواده یک نهاد مستقل بدون تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی نمی‌تواند فعال و مؤثر واقع شود. از این رو، بازگشت به استقلال خانواده بر اساس مبانی اندیشه متفکران مسلمان در گذشته و حال و به ظرفیت‌رسانی ماهیت خانواده با استفاده از ظرفیت‌های تعریف شده مرتبط با موضوع از نتایج مورد نظر این پژوهش است.

دیدگاه اندیشمندان به خانواده و مؤلفه‌های آن			
ردیف	عناوین	اندیشمندان گذشته	اندیشمندان معاصر
۱	هدف از تشکیل خانواده	وجود انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، محبت و آرامش، رفع نیازهای جنسی که اولویت اول برای تشکیل خانواده مباحث اقتصادی است و سایر انگیزه‌ها در پی آن به وجود می‌آیند.	در اندیشه غرب تشکیل خانواده صرفاً در جهت اطفای غریزه جنسی و رسیدن به آرامش است در حالی که در نگاه اسلام تشکیل خانواده یک امر فطری است که با محوریت مسئله وحدت و صمیمیت مطرح می‌شود و میل فطری مهرورزی، همزیستی عاطفی و... وجود دارد.

دیدگاه اندیشمندان به خانواده و مؤلفه‌های آن			
ردیف	عناوین	اندیشمندان گذشته	اندیشمندان معاصر
۲	دیدگاه در خصوص زنان	نگاهی به نظریه اندیشمندان مسلمان نشان می‌دهد که ابن‌سینا و خواجه نصیرالدین طوسی هرچند بر احترام به زن تأکید دارند، اما روش‌هایی برای سلطه بر زن توصیه می‌کنند که نشان از نگاه مردسالارانه این دواندیشمندان دارد.	زن بودن مانع فعالیت اجتماعی فرد نیست، امور داخلی منزل با طبیعت زن سازگارتر است.
۳	دیدگاه در خصوص قدرت	قدرت به مثابه ابزار اعمال سلطه محسوب می‌شد با چهار اصل: وجود گروه‌های اقلیت و صاحب نفوذ، اعمال زور یا قدرت در کسب یا نگهداشت منافع، تعارض منافع گروه‌های ذی نفوذ و رقابت بر سر کسب منافع، ساختار کلی جامعه بر مبنای پذیرش فشار به منزله ابزار مشروعیت.	به دلیل گریزناپذیری از وجود قدرت در خانواده، از این رو این مفهوم را با عنوان اقتدار باید به کار برد که حاکمیت مبتنی بر منطق از آن مستفاد گردد یا معنای جدیدی برای آن در نظر گرفت که بار سلطه و تعارض از آن برداشته شود و در این خصوص الگوهای تصمیم‌گیری می‌توانند تعیین‌کننده میزان قدرت فرد باشند.
۴	دیدگاه در خصوص اقتصاد	اقتصاد به معنای میانه‌روی.	دخل و خرج امور مربوط به نظامات مالی و پولی.
۵	نقش زن در خانواده	شریک اقتصادی و امین مرد، همکار و یاور او در اداره منزل، مایه آرامش و سکون مرد.	زن، مدیر خانواده و مسئول تربیت نسل‌های آینده.

## نتیجه‌گیری

طبق اندیشه متفکران مسلمان، حکمت عملی یکی از اقسام حکمت است که شامل سه ساحت فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود. البته برای نظام خانواده ساحتی مستقل در نظر گرفته شده است و آن ذیل ساحت فردی یا تهذیب نفس و بالاتر از ساحت اجتماعی یا سیاست مدن قرار دارد. در گذشته با توجه به جایگاه تعریف شده خانواده در تقسیم‌بندی علوم گذشته، خانواده جایگاهی تعریف شده، مشخص و ارزشمند داشته که به مرور زمان از کارکردهای آن کاسته شده است و در حال حاضر هرچند مطالب بسیاری در موضوعات خانواده مورد بررسی قرار گرفته است، اما محوریت و ارزش ساختاری خود را از دست داده است. این پژوهش در پی واکاوی مفهوم خانواده و دگرگونی‌های آن در اندیشه متفکران اسلامی با تکیه بر اندیشه اندیشمندان اسلامی قرون میانی و معاصر متوجه دگرگونی‌های وسیع در خانواده از گذشته تا کنون گردیده است که رسیدن به این غنای محتوایی می‌تواند ما را به یک جمع‌بندی مؤثر بر دیدگاه سیاست‌گذاری، هدف‌گذاری و رشددهنده در جامعه برساند. در بررسی صورت‌پذیرفته در این پژوهش مشخص می‌گردد که اولاً، خانواده دارای قدمت و پیشینه قوی است، به طوری که در موضوع خاستگاه خانواده نمی‌توان دوره و زمانه‌ای را مشخص نمود که در آن شکلی از خانواده وجود نداشته است؛ از طرفی در بررسی جایگاه خانواده در گذشته مشخص می‌گردد که ساحت خانواده با عنوان تدبیر منزل دارای جایگاه ویژه عملکردی بوده و خود خانواده می‌توانسته است محوری رشددهنده در ابعاد فردی و اجتماعی باشد؛ اما به مرور زمان از این استقلال بنا به شرایط و کم‌توجهی‌ها کاسته شده تا جایی که خانواده تحت تأثیر عوامل اجتماعی و دور از تصمیمات خانوادگی تعیین‌کننده مسیر حرکت خانواده و فرد گردیده است. این در حالی است که خانواده در ساحت مستقل می‌تواند رشددهنده فردی بوده و بنا به شرایط رشد تدبیرشده، شاخص تأثیرگذاری اجتماعی داشته باشد که در حال حاضر با کاسته شدن از استقلال خانواده شاهد از بین رفتن ارزش‌هایی هستیم که کمک کار جامعه انسانی در جهت رشد است و در کنار آن رشد، فردگرایی و خودمحوری که مانع رسیدن فرد و جامعه به هدف‌های والا می‌باشد. از این رو، در

این پژوهش می‌تواند به این نتیجه رسید که نگاه به خانواده و مؤلفه‌های آن از گذشته با عنوان تدبیر منزل و در دوره معاصر با عنوان خانواده همیشه نگاهی ارزشمند و دارای جایگاه ویژه بوده است، اما نکته اصلی در گذشته به حاشیه کشیده شدن تدبیر منزل بنا به دارا بودن گرایش‌های اقتصادی در موضوع‌های آن بوده که اولویت در آن زمان‌ها به مباحث معنوی و ... داده شده است و از طرفی نتیجه در حاشیه ماندن تدبیر منزل در کنار پوشیده‌نبودن ارزش والای آن امروزه به عنوان خانواده‌ای تبدیل شده است که دارای هویت مستقل نیست و لازم است برای به رشد رسیدن و مطرح بودن آن وابسته‌های فردی و اجتماعی برای آن تعیین نمود، به طوری که می‌توان مشاهده کرد حتی برای آموزش نکات ریز رفتاری، خانواده به افراد و مراکز خارج از حیطه خانوادگی نیاز دارد. برای رفع اختلاف‌ها محتاج غیر است و در کنار اینها حتی برای آموزش‌های ابتدایی به کودکان نیاز به مؤسسه‌ها و مراکز گوناگون وجود دارد و این در حالی است که خانواده باید بهترین جایگاه رشد و آموزش و رفع مشکلات فردی و اجتماعی فرد باشد. دارا بودن خانواده گسترده نه به معنای حضور ساختمانی و فیزیکی در کنار هم، بلکه به معنای ارتباطات معنوی و کاربردی می‌تواند جایگاه خانواده را به آن برگرداند. از طرفی هویت دادن به آموزش‌های مورد نیاز خانواده‌ها در نقش‌های تعریف شده ویژه هر فرد باعث رشد جایگاه خانواده می‌شود و گزینه‌های مختلف تربیتی، آموزشی و اقتصادی موجود که می‌تواند گره‌گشای مشکلات و مسائل خانواده باشد اگر در سیاست‌های کلی و برنامه بودجه‌های کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت دیده شود، می‌تواند احساس ایجادشده در خصوص تزلزل در بنیان خانواده و حتی انحراف در سبک زندگی را مدیریت کند.

## منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۹۵). الهیات از کتاب شفا. ترجمه ابراهیم دادجو. تهران: نشر امیرکبیر.
- اسلامی، سیده فاطمه. (۱۳۹۳). مطالعه مفهوم و نتایج ریاست بر خانواده در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی رشته حقوق خصوصی، گیلان.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی خانواده. تهران، روشنگران مطالعات زنان.
- بخشی، منصوره، صادقی، مجید، & امامی جمعه، سید مهدی. (۱۳۹۸). خانواده در نظام حکمت عملی ابن سینا. انسان پژوهی دینی، ۱۶(۴۱)، ۵-۲۴.
- دیباجی، سید محمد علی. (۱۳۸۷). روش‌شناسی حکمت اشراق. تهران: حکمت و فلسفه.
- رئیسی وانانی، حسین. (۱۳۹۱). رسانه و نقش خانواده در تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- سیاهپوش، سیدابوتراب. (۱۳۹۲). «بررسی برخی از عناصر سنت‌های علمی اسلامی در قرون میانه و تداوم و تأثیر آنها تا آغاز رنسانس علمی». جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صادقی، مسعود. (۱۳۹۸). نگرش فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی به مدیریت و اقتصاد خانواده. تاریخ فلسفه، ۳(۹)، ۶۹-۹۰.
- عبدالآتی، حموده. (۱۳۶۵). ساختار خانواده در اسلام. آمریکا: انتشارات اعتماد.
- کرمانی، طوبی، & صالحی، صغری. (۱۳۹۶). روش‌شناسی فارابی در تدبیر منزل و تأثیر آن در سبک زندگی. مطالعات راهبردی زنان، ۱۹(۷۶)، ۱۰۹-۱۳۵.
- کریمی زنجانی اصل، محمد. (۱۳۸۶). انواع سیاست به روایت ابن مقفع (المنطق). مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و دوم شماره ۳ پیاپی ۲۴۴، آذر و دی.
- مستعلی پارسا، غلامرضا، و قدیری یگانه، شبنم. (۱۳۸۸). حکمت عملی از دیدگاه پروین اعتصامی. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۲(۲) (پی در پی ۴)، ۹۷-

۱۱۶. SID. <https://sid.ir/paper/170808/fa>

- نظریور، حامد. (۱۳۹۹). مقایسه حکمت در کتاب حکمت با ده در دائوده جینگ. اصفهان: حکمت و فلسفه
- 'Abd al- 'Āṭī, Ḥammūdah. (1995). Family Structure in Islam. America: Etemad Publications.

